

آمادگی غرب برای پذیرش تدریجی اسلام

خلاً عطش معنوی و نابسامانی های گسترده جوامع غربی از یک سو و جامعیت اندیشه اسلامی از سوی دیگر اکنون شرایطی را در غرب فراهم نموده است که می توان ادعا کرد: فضای اجتماعی غرب آماده پذیرش اسلام است، اگر دعوت گرانی باشند که با زبان عرهر حاضر که علم و منطق است با انسان غربی ارتباط برقرار کنند

تمدن غرب در غیاب اندیشه ای منطقی و معنوی والهی همچون اسلام به شرایط سخت و بغرنجی مبتلا شده است و مسلماً پیروزی انقلاب اسلامی فضای جدیدی را در غرب ایجاد کرده و افق تازه ای فراروی غربیان گشوده گردیده است و می توان گفت: اکنون میلیون ها نفر در غرب در انتظار نجات بخش و مسیح هستند و اگر اسلام به درستی معرفی شود می تواند برای آنها نجات بخش باشد، چرا که تعالیم اسلام راهی برای رهایی از سرنوشت محتوم تمدن غرب یعنی نابودی است

خانم لیلا، تازه مسلمان آلمانی، در این باره می گوید:

با فساد وحشتناکی که در جوامع ما وجود دارد اگر مردم از حقایق اسلام و چهره واقعی اسلام آگاه می شدند بی شک همگی مسلمان می شدند، چون ما شاهد نتایج ارزش های غربی بوده ایم؛ خرهورها آلمانی ها که در پنجاه سال اخیر بعد از آمدن آمریکایی ها و تبلیغ معیارهای ضد انقلابی و ارزش های مادی به این فلاکت و هلاکت اخلاقی رسیده اند

در تایید ادعاهای طرح شده می توان به گزارش تحلیلی خبرگزاری ایتالیا پیرامون رویکرد وسیع زنان اروپایی به اسلام اشاره نمود که در بخشی از آن آمده بود: اسلام به عامل هویت بخشی به زنان اروپایی که شخرهیت خود را گم کرده اند تبدیل

شده است

علل نیاز شدید غرب به اسلام از نگاه غربی ها

با مروری اجمالی بر سخنان شخرهیت های علمی، فرهنگی و سیاسی غرب درباره نیاز عمیق جهان غرب به بهره مندی از تعالیم اسلامی و تشریح توان مندی های منحصر به فرد و رهگشای دین اسلام، به بررسی عمیق تر مقوله علل و عوامل رویکرد جهانی به اسلام و اسلام خواهی شهروندان جوامع غربی می پردازیم.

الف- نیاز به یافتن راه: امروزه بسیاری از نخبگان جوامع غربی همچون پرفسور لاماند < اسلام شناس فرانسوی براین باورند که: جهان غرب برای یافتن راه گم کرده خود به اسلام نیاز دارد

چنان که در یک فاچت < معاون وزیر امور خارجه انگلستان نیز با اعتراف به اینکه بخش اعظم هنر و علم و فلسفه موجود در جهان مدیون اسلام است اظهار می دارد:

ما هم زمان با جست و جوی غرب برای یافتن نوعی جایگزین برای مادی گری لجام

گسیخته، نیازمند فراگیری بسیاری از اسلام هستیم

از سوی لوئی کاردو < استاد رشته تمدن اسلامی در دانشگاه پاریس هم در تحلیل علل نیاز شدید غرب به اسلام براین اعتقاد است که:

خلاً فقدان روح در دنیای مادی غرب سبب شده که جهان مدرن در پی ایجاد توازن

بین مادیت و معنویت باشد و اسلام می تواند این نیاز را برآورده سازد

ب- نیاز به مسائل معنوی: دکتر نیمارلیا < استاد دانشگاه سارایوو در این خرهوره

می گوید:

مسائلی که ما از اسلام باید در اروپا مطرح کنیم مسائل معنوی و فلسفی و روانی

است، زیرا اروپایی ها به این مسائل نیاز دارند و تبلیغ ما در این زمینه می تواند موثر

باشد

در نگاه متفکران برهیر، سر منشا بحران فراگیر و غیرقابل انکار تمدن غرب چیزی جز

ادبار غرب به وحی و معنویت در عرره های مختلف زندگی نیست و این بیماری را

جز با بازشت به اندیشه معنوی و منطقی اسلام قابل درمان نمی باشد.

یکی از دانشجویان بوسنیائی با تایید ادعای فوق می گوید:

بسیاری از تحلیل گران جهانی و حتی برخی از متفکران بزرگ غربی اعتقاد دارند که

تمدن غربی در بحران بزرگ معنویت به سر می برد و این بحران هم چنان در حال

گسترش است به طوری که دامنه آن اکنون تمامی ارکان و نهادها و حتی زندگی

اجتماعی انسان غربی را فراگرفته است

اسلام در غرب از زنان محجبه آغاز می شود

این روزها اهالی بی مثال ایران اسلامی، سالروز شکوهمندترین انقلاب معاصر را جشن می گیرند. ۲۵ سال پیش، در ۲۲ بهمن ۵۷، انقلاب اسلامی، در دامن پرمهر زنان و مردان سلحشور ایران متولد شد. در طول این سالها زن و مرد ایرانی، دوشادوش هم، بر عهده‌ی که با شهیدان برای حفظ این هدیه خدایی بسته بودند، استوار ماندند، ناملايمات و نامهربانی‌های زمانه را به جان خریدند و از هیچ کوششی فروگذار نکردند.

و امروز این ملت نجیب و صبور، به شکرانه ۲۵ سالگی این جوان رعنا، یک دهه به میقات می‌روند و در جشن انقلاب، نام و یاد خدا و شهیدان را در فضایی به گستره ایران اسلامی عطر افشانی می‌کنند. افکار عمومی جهان نیز رفته رفته، انقلاب اسلامی ایران را باور می‌کنند و در برابر بهمینۀ این سرو بلند، سر تعظیم فرو می‌آورند. این روزها امید بخش ترین خبری که خبرگزاری‌های بین المللی مخابره کردند، موج اسلام خواهی بانوان اروپایی و هراس سیاست مداران غربی از گسترش آن بود. درست در زمانی که رسانه‌های گروهی و کارشناسان خبره جنگ روانی در غرب، با همکاری عوامل داخلی، تلاش می‌کردند که به مردم ایران و جهان، ناتمامی رؤیای انقلاب اسلامی را القاء کنند و ختم آن را جشن بگیرند، به ناگاه دریای موج بانوان محجبه در اروپا به خروش آمد و همه معادلات آنان را در هم ریخت. بانوان محجبه، تجسم نمادین ارزش‌های اسلام و انقلاب در قلب اروپا بودند که عبور آرمان‌ها و پیام‌های

انقلاب را از مرزهای جغرافیایی نوید می‌دادند. وقار، صلابت و نجابتی که در زنان محجبه اروپایی به چشم می‌خورد، از نوع همان حضور سبزی است که زنان مسلمان ایران، در عرصه‌های انقلاب اسلامی به نمایش گذاشتند. این رویداد بزرگ سیاسی و فرهنگی، نکات و پیام‌های درخور تأملی به همراه داشت؛

۱- الگوی زن انقلاب اسلامی، به رغم فعالیت‌های خصمانه و نگاه‌های تحقیر آمیز جوامع توسعه یافته و جریان روشن اندیش داخلی، می‌رود تا به سرمشقی برای زنان اروپایی تبدیل شود. عمق و گستره این رویکرد، ظاهراً، به اندازه‌ای است که بنیان‌های سیاسی غرب را با خطر جدی روبه رو کرده است. این حقیقت را می‌توان از سردر گمی و تدابیر عجولانه سیاست مداران خبره دولت‌های غربی، در ممنوعیت حجاب حدس زد. این تدابیر، به قدری ناشیانه اتخاذ شده‌اند که به علت مخالفت آشکارش با شعارهای اساسی لیبرال دمکراسی، حتی با مخالفت صاحب نظران غربی رو به رو شده است.

۲- گرایش روبه رشد زنان به حجاب و هویت اسلامی، در کشورهایی رخ داده است که مهد سکولاریسم و خاستگاه فمینیسم محسوب می‌شوند. مدینه فاضله‌ایی را که فمینیست‌های وطنی در این سوی مرزها، تنها در ذهنشان مجسم می‌کنند، آنان با همه وجود درک کرده‌اند. با این حال، رویگردانی زنان اروپایی از این مدینه فاضله، نشان می‌دهد که در پس ظاهر دل فریب رفاه و آزادی زنان حقایق تلخی نهفته است که آنان

را به ستوه آورده است. از درد و رنج‌های جانکاه زنان در جوامع صنعتی غرب، که در زیر خرواری از جلوه‌های کاذب گم شده است، جامعه شناسان بسیاری سخن گفته‌اند. از نگاه اینان، تنهایی، غربت و نومیدی، بزرگ‌ترین فاجعه قرن است که زنان را در غرب به سرایشی افسردگی و خودکشی کشانده است:

من‌گرایی، مصلحت‌اندیشی، منافع فردی و پرداختن به فرد و اصالت‌گرایی و لذت‌جویی و برخورداری و آسایش و عقل و سعادت‌جویی، اگرچه زن را از بسیاری از قیدهای اجتماعی و خانوادگی و مذهبی آزاد کرد، اما در عین حال، بسیاری از احساس‌های عمیق عاطفی و انسانی را از او گرفت و تنها رهایش؛ کرد زیرا مستقلش کرده بود. تنهایی، بزرگ‌ترین فاجعه قرن است. هالبواکس، در کتابی به نام «خودکشی» و دورکیم، در کتاب دیگری، آن‌هم با نام خودکشی، از نظر جامعه‌شناسی، خودکشی را در اروپا تحلیل کرده‌اند. خودکشی در شرق، حادثه‌ای گاه به گاه و استثنایی است؛ اما در اروپا نه حادثه، بلکه پدیده‌ای اجتماعی است، واقعه نیست، واقعیت است که منحنی‌اش در ممالک پیشرفته، روز به روز بالاتر می‌رود؛ زیرا انسان‌ها تنهایی:

کوه‌ها باهمند و تنهایی هم‌چو ما، باهمان تنهاییان

۳- گسترش روز افزون اسلام خواهی زنان در اروپا، نشان می‌دهد که آنان هویت گم شده خود را در الگوی نوینی جست‌وجو می‌کنند که انقلاب اسلامی به جهانیان

معرفی کرد. گزینه جدید، آمیزه‌ای از خودآگاهی، خودباوری، دین‌شناسی، دین‌داری، مسئولیت‌پذیری و وقار است. زن ایرانی با آگاهی از شرایط زمانه و اتکا بر همه استعدادها و ویژگی‌های زنانه، لذت جویی‌های فردگرایانه را به مسلخ برد و مسئولیت‌پذیری در قبال همسر، فرزندان و جامعه را جایگزین آن ساخت. او زندگی را، نه در خود محوری، که در زیستن و سوختن برای دیگران معنا کرد و عرصه چانه‌زنی حقوقی و رقابت با مردان و همسران را به یمن آموزه‌های دینی مسابقه یکدلی و همدلی تبدیل کرد. زن مسلمان ایرانی، غریب و تنها و گسسته از جامعه و خانواده نبود. او در عین استقلال رأی و خودباوری، به خانواده و جامعه عشق می‌ورزید و سرشار از امید و حرکت بود. حجاب و نجابت او راه را برای همیشه بر شیء انگاری و نگاه‌های ابزاری و جنسی بست و هاله‌ای از معنویت و وقار برای او به ارمغان آورد. زنی که انقلاب به جهانیان معرفی کرد، از سخنی دیگر بود.

از دیدگاه صاحب نظران، مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی در جامعه زنان را باید در تحول شخصیت زن ایرانی جست‌وجو کرد. زن ایرانی، در عصر انقلاب، با فاصله گرفتن از آرمان شهر تخیلی زن غربی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات اجتماعی و تاریخی کشور ایفا کرد. او اگر چه به تدوین برنامه‌ای منسجم برای زنان آن سوی مرزها توفیق نیافت، اما حضور آگاهانه و تأثیرگذارش در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، چراغی را فرا روی زنان دیگر کشورها، به ویژه کشورهای اسلامی قرار داد.

امروز زنان مسلمان و غیر مسلمان در سراسر جهان به راه سوم می‌اندیشند که نه برخاسته از جمود و تحجر و نه برآمده از خود باختگی در برابر اسطوره غرب است و صد البته که خود را در شناخت این راه سوم، مدیون زن ایرانی می‌دانند.

۴- هویت یابی و اسلام خواهی زنان اروپایی، افزودن بر امیدهایی که برانگیخت، این هشدار را نیز برای جامعه زنان به همراه داشت که راه رفته غرب را دوباره نیامایند. رویگردانی زنان غرب از گزینه‌های فمینیستی و فریاد اعتراض و دادخواهی آنان، زنگ‌های خطر را برای سیل مشتاقانی که قبله آمال خود را در غرب و زن غربی قرار داده‌اند، به صدا درآورد. در این میان، آن چه تعجب و تأسف دوست داران اسلام و انقلاب را برانگیخت، مواضع برخی شخصیت‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی در داخل کشور بود. درست در زمانی که زنان به ظاهر متنعم و آزاد جوامع غربی، برای تحقق رؤیاهای فراموش شده خود، به الگوی زن مسلمان ایرانی اقتدا کرده‌اند، گروهی به طناب پوسیده و نخ نمای آرمان شهرهای تخیلی غرب آویخته‌اند و بر پذیرش کنوانسیون و دیگر مدل‌های غربی اصرار می‌ورزند. تأسف بارتر آن که گروهی دیگر، با نام زن ایرانی، کشف حجاب کرده و درمجامع بین المللی شرکت می‌کنند، غافل از آن که خبرگزاری‌های بین المللی برای فرو کاستن از موج اسلام خواهی بانوان در غرب و سرخوردگی آنان، از چهره‌های مکشوف زن ایرانی استفاده کرده و آن را به نمایش عمومی می‌گذارند.

۵- زن مسلمان ایرانی و رسالت جهانی: به هر حال، با گسترش موج اسلام خواهی زنان در جهان، دوران جدیدی برای زن مسلمان ایرانی آغاز شده است. با ترسیمی که از وضعیت زنان در شرایط موجود صورت گرفت، می توان ابعاد و اهمیت رسالت جهانی زن مسلمان را به خوبی درک کرد. این دوره جدید، اقتضائاتی دارد که باید آن‌ها را به درستی شناخت و متناسب با آن‌ها تدابیری اتخاذ کرد:

الف) گروه‌هایی که به مقام مرجعیت رفتاری دیگر انسان‌ها می‌رسند، مسؤولیت خطیری در بازشناسی و اصلاح مستمر خود و جامعه پیرامون دارند. این مطلب را بر یافته‌های علمی، معارف و حیانی نیز تأکید می‌کند. حضرت امیر(ع) نیز در فرازی حکیمانه، به همه کسانی که داعیه حرکت‌های اصلاحی دارند، موکدا سفارش می‌کند که نخست در خانه‌های خود بنشینید و خود سازی پیشه کنند. بر این اساس، زنان مسلمان ایران، برای توفیق در انجام دادن رسالت جهانی خود، باید در اولین گام، به بازشناسی آسیب‌ها، توانایی‌ها و قابلیت‌های خود بپردازند و زمینه‌های لازم را برای پویایی و بالندگی در عرصه دانش و پارسایی فراهم آورند.

ب) تبیین و معرفی الگوی مطلوب: ضرورت دیگری که برای انجام دادن رسالت جهانی زنان مسلمان ایران وجود دارد، تلاش برای تبیین و معرفی الگوی مطلوب است. زن ایرانی باید این حقیقت را در نظر بگیرد که اگر بخواهد همواره گزینه‌های غربی را نقد کند و خود، الگویی را معرفی نکند، قطعاً کاری از پیش نخواهد برد. آن

چه حرکت انتقادی را تکمیل کرده و به نتیجه می‌رساند، ارائه الگویی عملی است که بتواند در همه زمینه‌ها، خط مشی و شیوه عمل را به زنان آموزش دهد و آنان را از بلا تکلیفی خارج سازد. ناگفته پیداست که در این مقام، باید تدریجی عمل کرد و یا ارائه الگو را به آینده موکول کرد؛ زیرا زن نیز مانند هر فرد دیگری که در جامعه زندگی می‌کند، همواره در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرد که نیازمند عکس العمل است. حال اگر دستورالعمل و الگوی مناسبی نیابد، معطل نمانده و به روش‌های نامناسبی که در دست رسی قرار دارد، متوسل خواهد شد.

بر این اساس، اگر زنان آرمان خواه ایران اسلامی، خواستار تغییر وضعیت هم‌نوعان خود هستند، باید هر چه سریع‌تر برای رفتار و چگونگی سلوک آنان الگویی عملی ارائه دهند و در عین حال، به تدریج به تحکیم مبانی فکری و فرهنگی الگویی که عرضه کرده‌اند، بپردازند.

ج) تأکید به جنبه‌هایی آسیب‌پذیر غرب: بررسی و شناخت مواضع آسیب‌پذیر و آن‌گاه، اولویت‌گذاری آن‌ها، روند درمان بهبود را سرعت می‌بخشد. از این رو، جامعه زنان مسلمان، برای تضمین حضوری ثمر بخش، باید زمینه‌هایی را که غرب در آن‌ها با بحران‌های بزرگ رو به رو شده است، (مانند خانواده، ارتباط جنسی، سقط جنین، رشد منفی جمعیت، عفت عمومی) در اولویت کاری خود قرار دهند و ضمن معرفی و تأکید بر آن‌ها، راه‌های برون رفت از آن‌ها را ارائه کنند. مثلاً، زنان ایرانی باید نشان دهند که

حجاب و حفظ عفت عمومی، نه تنها مانعی بر سر راه حضور اجتماعی نیست، بلکه عامل مؤثری در موفقیت و امنیت و سالم سازی در عرصه‌های اجتماعی است. هم چنین باید بتواند نقش مؤثر خود را در ایجاد صفا و تلطیف فضای معنوی خانواده و اصلاح و تربیت فرزندان به نمایش گذارد.

۶- همگرایی ادیان الهی جایگزین واگرایی: یکی از علل موفقیت کشورهای غربی در گسترش حوزه نفوذ خود، اتحاد و وحدت رویه آن‌ها در مسائل اقتصادی و فرهنگی است. از اتحاد و پای بندی این کشورها به ارزش‌ها و هنجارهای مشترک سکولاریستی که بگذریم، نکته جالب توجه تشکیل مجامع بین المللی توسط این کشورها برای فراخوانی دیگر جوامع - حتی جوامع دینی - به پذیرش اصول مشترک جوامع سکولاریستی غرب است. این که جوامع غربی از جهانی شدن فرهنگ و ارزش‌های سکولاریستی چه اهدافی را دنبال می‌کنند، بحث مفصلی را می‌طلبد، اما نکته آموزنده‌ای که در این میان وجود دارد، «ضرورت همگرایی و وحدت رویه همه جوامع و فرهنگ‌های دین مدار در مجامع بین المللی» به منظور حفظ و ترویج ارزش‌ها و هنجارهای دینی و الهی - به ویژه در دفاع از حقوق زنان - است. اگر جوامع غربی با تشکیل مستمر و متناوب مجامع بین المللی، به طور مشترک بر ترویج ارزش‌ها و الگوهای سکولاریستی در مباحث زنان اصرار می‌کنند، چرا ادیان الهی برای شناخت وجوه مشترک و اتحاد و وحدت رویه در دفاع از حقوق زنان گردهم جمع نشوند؟!

بی شک همگرایی ادیان الهی و وحدت رویه جوامع دین مدار سد نفوذ ناپذیری در برابر سیل جهانی شدن و امواج فرهنگی سکولاریستی است. اتخاذ این رویه، افزون بر احیای هویت دینی جوامع دین مدار، به آنها قدرت و جسارت گفتگو با فرهنگ‌های جهانی را می‌بخشد.

در این میان جمهوری اسلامی با توجه به جایگاه و اعتبار بین المللی، بهترین نامزد برای پیشگامی و بنیان گذاری «نهضت دینی - جهانی دفاع از حقوق زنان معاصر» است. اگر سازمان‌ها و نهادهای زنان در جمهوری اسلامی برای حفظ حریم و هویت زنان مسلمان در دنیای مدرن، به درستی «مسابقات ورزشی زنان کشورهای مسلمان» را سامان داده‌اند، چرا در عرصه فرهنگی از برگزاری هم اندیشی ادیان الهی و جوامع اسلامی به منظور دفاع مشترک از حقوق زنان و ارائه الگویی دینی از زن معاصر غفلت ورزیده اند؟

به هر حال به نظر می‌رسد زنان خسته و سرخورده از الگوهای سکولاریستی در جوامع مدرن، الگوهای دیگری را برای دفاع حقیقی از حقوق زنان جستجو می‌کنند و همگرایی ادیان الهی، به ویژه کشورهای مسلمان، در مجامع بین المللی زنان می‌تواند این فرصت را برای بار دیگر در اختیار آنان و جهانیان قرار دهد.

ناگفته نگذاریم که طرح همگرایی ادیان الهی - به ویژه میان کشورهای مسلمان - در ارائه الگویی دینی از زن معاصر، دو گونه تحقق پذیر است:

- برگزاری کنفرانس ها و هم اندیشی های مشترک و مستمر میان ادیان الهی به منظور بررسی، تبیین و اعلام نقاط مشترک در دفاع از حقوق زنان؛

- حضور هماهنگ و برنامه ریزی شده نمایندگان ادیان الهی و کشورهای مسلمان در

مجامع بین المللی و اتخاذ مواضع مشترک با تأکید بر به رسمیت شناختن خرده فرهنگ ها.

منابع

بر گرفته از کتاب عصر امام خمینی

www.kandoocn.com

www.kandoocn.com

www.kandoocn.com

www.kandoocn.com

www.kandoocn.com